


مقایسه تطبیقی شاخص های متعارف ترکیبی رفاه با دیدگاه صدر المتألهین

سیدهادی عربی / دانشیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

sh.arabi@qom.ac.ir  orcid.org/0000-0003-2457-0529

حسین بهرامی / دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران h.bahrami@stu.qom.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 

چکیده

رفاه و بهروزی، یکی از مهم ترین آرمان ها و دغدغه های ملت ها و دولت هاست. با این حال رویکردها و دیدگاه های متفاوت، طراحی و دسته بندی شاخص ها را متمایز می کند. از این رو طراحی اجزای اصلی و فرعی شاخص های رفاه و بهروزی و نوع دسته بندی ها می تواند نقش مهمی در تبیین دقیق تر این مقوله داشته باشد. این پژوهش با هدف مقایسه تطبیقی شاخص ها و معیارهای متعارف ترکیبی رفاه و استخراج شاخص های رفاه و بهروزی مبتنی بر دیدگاه صدر المتألهین نگاشته شده است. روش گردآوری این پژوهش، کتابخانه ای و روش تحقیق نیز توصیفی - تحلیلی و مشابهت سنجی مفهومی است. صدر المتألهین رویکرد ویژه ای به مقوله رفاه دارد؛ وی رفاه و بهروزی را به دو بخش تقسیم می کند: بخش اخروی، شامل دو قسم علمی و عملی؛ و بخش دنیوی شامل نفس و شأنت. نتایج مبتنی بر شاخص های احصاشده از دیدگاه صدر المتألهین حاکی از این است که شاخص صدرا با شاخص پیشرفت واقعی ۵۵ درصد، میزان رفاه اقتصادی ۳۵ درصد، شاخص رفاه اقتصادی ۵۴/۵ درصد، شاخص سلامت اجتماعی ۵۸/۸ درصد، شاخص سارلو ۴۷ درصد، شاخص توسعه انسانی ۱۷/۶ درصد، شاخص کیفیت زندگی ۴۷ درصد، شاخص پیشرفت اجتماعی ۳۶/۸ درصد و شاخص لگاتوم ۷۱/۴ درصد اشتراک مؤلفه و همپوشانی مشابهت مفهومی داشته است.

کلیدواژه ها: رفاه و بهروزی، شاخص های ترکیبی رفاه، شاخص ترکیبی رفاه از دیدگاه صدر المتألهین.

طبقه بندی JEL: D69, D60

رفاه (welfare) و بهروزی، از مهم‌ترین خواسته‌های دیرین بشر بوده است؛ از این رو هر نظام اقتصادی نیز در پی فراهم آوردن این بهروزی و رفاه به بهترین شیوه بوده است. هرچند نحوه هدایت و سامان‌دهی جامعه برای دستیابی به رفاه و حتی تعریف رفاه و بهروزی در مکاتب و نظام‌های گوناگون اقتصادی متفاوت است، اما برخورداری و بهره‌مندی غالب جامعه از رفاه و کامیابی، غایتی مشترک در میان نظام‌های فکری مختلف قلمداد می‌شده است. بر این اساس مقوله رفاه معیاری مهم برای سنجش و ارزیابی متغیرهای متعدد اقتصادی قلمداد می‌شود (عربی، ۱۳۸۷). رفاه در دیدگاه اسلامی، برخلاف نگرش‌های صرفاً مادی به انسان و ارزش‌های اجتماعی، در هر دو ساحت مادی و معنوی و با عنوان سعادت و رستگاری در مسیر رشد و کمال تعریف می‌شود؛ اما در ادبیات متعارف، برخی رفاه را صرفاً در مؤلفه‌های اقتصادی همچون درآمد، مصرف، مسکن، و برخی دیگر در شاخص‌های عام‌تر و جامع‌تری همانند تحصیلات، بهداشت، سلامتی و تندرستی، طول عمر، امکانات زندگی و امکانات عمومی با عنوان «خوشبختی یا بهزیستی» (well-being)، و گروهی دیگر نیز از طریق شاخص‌های گسترده‌تر و جامع‌تری همچون خیر، خوبی و صلاح و کامیابی و رستگاری با تعبیر «سعادت و بهروزی» (hapiness & bliss) تحلیل و تفسیر می‌کنند (عربی، ۱۳۹۰).

امروزه سنجش میزان رفاه و بهروزی و بهره‌مندی اقشار مختلف کشورها از موهبت‌ها و نعمت‌های موجود در آن جامعه و مقایسه آن با میزان کامیابی در کشورهای دیگر، یکی از ضروری‌ترین مسائل برای اندازه‌گیری و ارزیابی رشد و پیشرفت و خوشبختی و سعادت ملت‌ها به‌شمار می‌رود. بر این اساس، طراحی شاخص‌هایی جهان‌شمول که مبتنی بر دو جنبه مادی و معنوی زندگی انسان باشد، می‌تواند راهگشای بسیار سودمندی برای تصمیم‌سازی و عملکرد حکمرانان، سیاست‌گذاران و اندیشمندان در این حوزه باشد.

در این پژوهش، نخست به ارائه و نقد و بررسی شاخص‌های ساده و ترکیبی مطرح‌شده برای سنجش رفاه و بهروزی پرداخته می‌شود؛ سپس شاخص‌هایی مبتنی بر نظریات و اندیشه صدرالمآلهین در این خصوص ارائه و با شاخص‌های فوق مقایسه و تحلیل می‌شود. در گام بعدی با استفاده از نظریات گذشته و نگرش صدرا، معیارهای نسبتاً جامعی برای تعریف رفاه و بهروزی ارائه می‌گردد. در گام بعد به‌منظور تبیین هر معیار، شاخصه‌هایی در ذیل هر یک از معیارها مطرح می‌شود. در گام نهایی نیز برای اندازه‌گیری و ارزیابی هر شاخصه، سنجه‌هایی طراحی و معرفی خواهد شد.

در مطالعاتی که تاکنون در خصوص معیارها و شاخص‌های رفاه و بهروزی و همچنین مؤلفه‌های آن صورت گرفته، آنچنان به معیارهای جامع و جهان‌شمول و قابل احصا دست یافته نشده است. از این رو این تحقیق در پی آن است که علاوه بر ذکر دستاوردهای هریک از دیدگاه‌ها، از تجربیات هریک استفاده کند و شاخص‌ها و سنجه‌های جامع و جهان‌روایی را مبتنی بر رویکرد صدرالمآلهین برای سنجش و مقایسه میزان رفاه و بهروزی نسبی اقشار مختلف داخل هر کشور و میان کشورها و جوامع مختلف ارائه کند.

این پژوهش درصدد است تا مبانی و شاخص‌هایی را که تاکنون درخصوص مقوله رفاه ارائه شده‌اند، بررسی کند؛ سپس با توجه به دیدگاه صدرا المتألهین، مؤلفه‌ها و شاخص‌های رفاه و بهروزی مرتبط را استخراج نماید. براین اساس، روش گردآوری مطالب، روش کتابخانه‌ای است و برای تجزیه و تحلیل مطالب از روش توصیفی - تحلیلی و مشابهت‌سنجی مفهومی استفاده شده است. بنابراین در بخش نخست به ادبیات نظری در این حوزه پرداخته خواهد شد. در بخش بعدی به پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته‌اند، اشاره می‌شود. در مرحله بعد، شاخص‌های مطرح‌شده در چارچوب نظریات رفاه در اقتصاد متعارف معرفی و بررسی می‌گردد. سرانجام در بخش پایانی مقاله، شاخص‌های رفاه و بهروزی از دیدگاه صدرا المتألهین معرفی و با دیگر شاخص‌ها مقایسه می‌شود و مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. ادبیات نظری

مفهوم اصطلاحی رفاه با توجه به دامنه دربرگیرندگی مفاهیم و مؤلفه‌های مختلف و همچنین نظرات و رویکردهای مختلف، دارای تعاریف گوناگونی است. فیتزپتریک (Fitzpatrick) رفاه را به شادکامی، تأمین ترجیحات، نیازها، استحقاق و مقایسه‌های نسبی تعریف می‌کند (فیتزپتریک، ۱۳۸۱، ص ۲۰). پیگو (Pigou) رفاه را شامل جنبه‌های بهزیستی اجتماعی با وضعی متمایز از بهزیستی معنوی، روحی و جسمی، با فرض وجود ارتباط میان آنها، معرفی می‌کند (فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۳۶۰). برنت (Brent) نیز معتقد است که رفاه مفهوم نسبتاً مهمی است که تعریف آن دشوار است و دارای یک مفهوم چندبعدی و شامل گستره متنوعی از عناصر است که برای سنجش مناسب آن باید به طیف گسترده‌ای از ابعاد رفاه توجه شود (برنت، ۲۰۱۲). وینهوون (Veenhoven) نیز رفاه را تجمیع رویکرد عینی، شامل اندازه‌گیری اثرات سخت همچون درآمد دلار یا مسکن، و رویکرد ذهنی و مقولات نرم، مانند رضایت از درآمد و کیفیت لذت و خرسندی حاصل از سکونت، تعریف می‌کند (وینهوون، ۲۰۰۲).

شاخص‌های منبعث از نظریه‌های رفاه در اقتصاد متعارف در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند (کریسپ، ۲۰۰۸). گروه نخست شامل نظریه‌هایی است که رفاه را حالتی از احساس رضایتمندی و لذت و خشنودی در درون فرد تلقی می‌کنند که از آنها با نام «نظریه‌های لذت‌گرا» یاد می‌شود. این رویکرد مبتنی بر انگاره‌های ذهنی، سنجه‌هایی مانند دوام، شدت، قطعیت و عدم قطعیت و نزدیکی یا دوری تحقق لذت و درد برای سنجش رفاه است (بتنام، ۱۹۹۶، ص ۳۸). رویکرد دوم با نگرشی عینی‌گرایانه، فعلیت‌های خارجی ناشی از تمایلات و خواسته‌ها و ترجیحات افراد را به‌عنوان مؤلفه اصلی رفاه مطرح می‌کند. نوزیک (Nozick) از پیشگامان این رویکرد بود که از طریق ماشین تجربه خودش لذت را به میل و تجربه واقعی سوق داد. رویکرد سوم ناظر به هر دو انگاره ذهنی و عینی است و ملتزم به این است که انگاره‌های ذهنی باید حداقل‌های عینیت را داشته باشند و همین‌طور مؤلفه‌های عینی نیز نباید صرفاً تمایلات و ترجیحات و امکانات باشند؛ بلکه باید مؤلفه‌های درونی و احساس لذت هم در آن دخیل باشند. آمارتیا

سن از بنیان‌گذاران اصلی این رویکرد است که با تأکید بر کارکردهای یک زندگی خوب، فهرست مؤلفه‌های زندگی خوب را مطرح کرد (سن، ۱۹۹۲، ص ۴۱-۴۵).

علاوه بر طبقه‌بندی قبل، دسته‌بندی دیگری نیز برای شاخص‌های رفاه و بهروزی می‌توان تعریف کرد که به تمایز معیارها و مؤلفه‌ها در ترجیح قلمرو شخصی یا حوزه مسئولیت‌های اجتماعی در طراحی شاخص‌ها می‌پردازد. براین اساس، رویکرد نخست تنها در محدوده منافع هر شخص تعریف می‌شود و فقط ملاک تحقق رفاه فردی و تعریف شاخص‌هایی همچون درآمد و امکانات و مسکن است. در این صورت، اگرچه در ظاهر افرادی به تمکن و تمول یا حتی رفاه واقعی دست یافته‌اند، اما اثرات بیرونی این ثروت و مکنت بدون توجه به دیگر اعضای جامعه، حتی رفاه فردی و واقعی آن افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و اثرات منفی اجتماعی، روانی و حتی اقتصادی و امنیتی برای آنان به‌همراه خواهد داشت؛ اما اگر رفاه تنها در حوزه قلمرو اجتماعی لحاظ شود، تنها ابعاد اجتماعی این پدیده در حد امکان تعیین می‌یابد؛ ولی ابعاد فردی و شخصی و شخصیت افراد در این حیث به رفاه مطلوب دست نمی‌یابد؛ از این رو تنها مؤلفه‌های اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد و مؤلفه‌های فردی و خانوادگی مورد بحث واقع نمی‌شود و شاخص‌ها از جهت اجتماعی نسبتاً کامل‌اند؛ در حالی که از منظر درونی و فردی، ناقص و معیوب‌اند.

سومین رویکرد، دیدگاهی تلفیقی است که هر دو رویکرد قبلی را مورد مذاقه قرار می‌دهد و تفاهم‌ها و تزاخم‌ها را شناسایی می‌کند. از این رو مؤلفه‌هایی برگرفته از حوزه‌های اصلی زندگی فردی و خانوادگی و همچنین اجتماعی را تحلیل و بررسی کرده، شاخص‌های رفاه و بهروزی را در همه قلمروها ترسیم می‌کند. در این راستا، *ونتال* (vental) معتقد به حذف شاخص‌های ساده (منفرد) است و انتقادات زیر را در این خصوص مطرح می‌کند:

۱. رفاه مقوله‌ای چندبعدی است و برای شناخت هرچه بهتر وضعیت رفاه باید از ابعاد و مؤلفه‌های زیادی استفاده شود؛

۲. محاسبه ارزش‌های پولی برای برخی ابعاد و نمودهای مختلف رفاه، مانند کار بدون دستمزد و آلودگی محیط زیست، دشوار و ناممکن است؛ زیرا درحقیقت، هیچ قیمتی برای آنها پرداخت نمی‌شود؛

۳. یک شاخص ساده رفاه، کاربرد کمی و جزئی دارد؛ به طوری که امکان ارزیابی وضعیت رفاهی از طریق آن و همچنین شناسایی روند در دوره زمانی مشخص براساس آن ناممکن است؛

۴. آمارگر با انتخاب یک شاخص ساده، درواقع برای دیگر شاخص‌ها وزن مشخصی قائل نمی‌شود؛ بدین ترتیب، آمارگر در جایگاه سیاست‌گذار به تعیین اولویت‌ها می‌پردازد و در نتیجه انتخاب‌ها و اولویت‌گذاری‌ها ناقص می‌شود (فیض‌زاده و مدنی، ۱۳۷۹).

یک شاخص ترکیبی با ترکیب شاخص‌های منفرد ایجاد می‌شود. از شاخص‌های ترکیبی برای اندازه‌گیری مفاهیم چندبعدی و در بسیاری از موارد انتزاعی استفاده می‌شود که نمی‌توان آنها را توسط شاخص‌های منفرد ضبط کرد (سازمان ملل، ۲۰۱۹، ص ۱۱). مهم‌ترین شاخص‌های ترکیبی متعارف رفاه عبارت‌اند از: شاخص رفاه اقتصادی

(Index of Economic Well-bing (IEWB)؛ میزان رفاه اقتصادی (Measure of Economic Welfare (MEW))؛ شاخص پیشرفت واقعی (Genuine Progress Index (GPI))؛ شاخص سلامت اجتماعی (Index Social Health (ISH))؛ شاخص استاندارد زندگی (Index of Living Standards (ILS))؛ شاخص توسعه انسانی (Human Development Index (HDI))؛ شاخص کیفیت زندگی (Quality of Life Index (QOL))؛ شاخص پیشرفت اجتماعی (Index of Social Progress (ISP)) و شاخص لگاتوم (Legatum Prosperity Index).

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. مطالعات داخلی

سرگزئی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی و تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی براساس شاخص‌های رفاه ترکیبی و چندبعدی در محلات شهری زاهدان پرداختند. آنها در این پژوهش شاخص‌های رفاه ترکیبی را در دو بعد مادی و غیرمادی در قالب ۵۵ شاخص دسته‌بندی کردند. در ادامه به منظور تحلیل فضایی شاخص‌های رفاه ترکیبی پس از نرمال‌سازی، اختلاف رفاه در سطح محلات شهری را محاسبه و نتایج را در قالب نقشه‌های ضریب اختلاف تهیه کردند. درنهایت، ارتباط بین سطح رفاه و ضریب اختلاف را با استفاده از آزمون آماری پیرسون در محیط نرم‌افزار SPSS مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد، محلاتی که از وضعیت رفاه بهتری برخوردارند، در منطقه یک و پنج شهر در جنوب غربی زاهدان قرار دارند و محلات حاشیه‌ای شمال و جنوب زاهدان در وضعیت نامطلوب‌تری نسبت به سایر محلات شهری قرار دارند. نتایج آزمون همبستگی بین سطح رفاه ترکیبی و ضریب اختلاف رفاه نیز نشان می‌دهد که در سطح آلفای ۰.۱ تنها بین رفاه غیرمادی و مؤلفه‌های مسکن، دسترسی به خدمات، زیرساخت‌ها و تسهیلات و دانش با ضریب اختلافشان رابطه معناداری وجود دارد.

حری و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی تأثیر چرخه‌های تجاری بر شاخص رفاه اقتصادی طی دوره ۱۳۵۹-۱۳۹۵، وضعیت رفاه اقتصادی در دوره‌های مکرر و اجتناب‌ناپذیر رکود و رونق و میزان اثربخشی و کارایی سیاست‌ها را مورد مطالعه قرار دادند. آنها برای سنجش رفاه، از شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی استفاده کردند و با استفاده از روش دلفی، وزن مربوط به هر یک از ابعاد این شاخص را مشخص نمودند و درنهایت با استفاده از الگوریتم جست‌وجوی گرانشی، تأثیر چرخه‌های تجاری در مدلی متناسب با اقتصاد ایران را برآورد کردند. یافته‌های روش دلفی حاکی از آن است که مؤلفه امنیت اقتصادی دارای بالاترین وزن در بین ابعاد چهارگانه این شاخص است. نتیجه برآورد مدل نشان می‌دهد که چرخه‌های تجاری رابطه مستقیمی با شاخص رفاه اقتصادی دارند و بیانگر آن است که دوره‌های رونق و رکود چرخه‌های تجاری به ترتیب منجر به بهبود و افول شاخص رفاه اقتصادی در ایران شده است.

رافعی و صیادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست مالی دولت و رفاه اجتماعی در ایران با تأکید بر شاخص آمارتیا سن (رهیافت آزمون ARDL کرانه‌ها)» معتقدند که تأمین رفاه اجتماعی جوامع ارتباط تنگاتنگی با نوع و نحوه

کاربست سیاست‌های مالی دولت دارد. آنها سعی کردند رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت سیاست‌های مالی دولت را بررسی کنند. نتایج حاکی از آن بود که به‌طور نسبی در کوتاه‌مدت، مخارج جاری دولت با رفاه اقتصادی رابطه معکوس، و مخارج عمرانی و رشد اقتصادی با رفاه اقتصادی رابطه مستقیم دارند؛ اما در بلندمدت، متغیر مخارج با رفاه اجتماعی رابطه معکوس دارد.

خستو و یاحقی (۱۳۹۷) در پژوهشی با روش تحلیل محتوا و پیمایشی، به تحلیل و ارزیابی شاخص‌های رفاه اجتماعی در نواحی شهری (منطقه یک شهر قزوین) با تأکید بر رویکرد عدالت پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که شاخص‌های رفاه اجتماعی در این منطقه عادلانه نیست و شاخص‌هایی مانند درآمد سرانه، وضعیت اشتغال و رضایت شغلی بیشترین اثر را در برقراری عدالت اجتماعی دارند. از این رو، تقویت شاخص‌های ضعیف رفاه اجتماعی و تزریق شاخص‌های مکمل برای رسیدن به سطح عادلانه زندگی در نواحی منطقه یک قزوین ضروری است.

محققان کمال و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با تخمین شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی برای شرایط ایران، نخست شاخص‌های بومی رفاه اجتماعی را با ابعاد مختلف طراحی و نحوه ارزیابی روند رفاه اجتماعی را با استفاده از آن تدوین کردند؛ سپس روند رفاه اجتماعی را در سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۹۰ سنجیدند. ابعاد شاخص رفاه اجتماعی، به‌روش دلفی انتخاب گردید و با تحلیل عاملی اکتشافی، مناسب تشخیص داده شد. در این میان، بیشترین امتیاز شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی، به ابعاد عینی مربوط می‌شود؛ به‌طوری‌که شش بُعد اول به اشتغال، تأمین اجتماعی، اقتصاد، آموزش، بهداشت و مسکن اختصاص دارد. یافته‌ها نشان داد که شیب این شاخص تا اواسط دوره، کاهش می‌یابد و بعد از آن افزایشی بوده است. بهترین و بدترین عملکرد نیز به ترتیب به سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۶۸ مربوط بوده است؛ در حالی که شاخص رفاه سن و شاخص رفاه اقتصادی، در طول سه برنامه توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۲) تقریباً یکسان و نمودار آنها تقریباً بر هم مماس است.

سام‌آرام و محبوبی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «ساخت مقیاس برای سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی (احساس رفاه)»، پس از ساخت مدل مفهومی برای تبیین رفاه ذهنی، اقدام به طراحی پرسش‌نامه‌ای با ۶۶ سؤال و گویه برای سنجش احساس رفاه اجتماعی کردند. پرسش‌نامه به‌صورت آزمایشی در شهر ارومیه با ۵۱ نمونه آماری که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند، مورد اجرا قرار گرفت. نتایج نشان داد که براساس همه روش‌های اعتبارسنجی، اعم از اعتبار محتوا و اعتبار مبتنی بر ملاک (هم‌زمان) و اعتبار سازه‌ای (مبتنی بر آزمون آماری پیشرفته تحلیل عاملی)، و نیز ضریب آلفای کرونباخ، ابزار ساخته‌شده برای سنجش احساس رفاه اجتماعی (پس از حذف هجده گویه از مجموع ۶۶ گویه)، مجموعاً با ۴۸ سؤال و گویه، از اعتبار (روایی) و اعتماد (پایایی) لازم برخوردار بوده است.

بختیاری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی و سنجش آن برای منتخبی از کشورها پرداختند. آنها پس از معرفی الگوی شاخص رفاه اقتصادی، مقدار آن را برای منتخبی از کشورها در دوره

(۲۰۰۷-۲۰۰۲) مورد محاسبه و مقایسه قرار دادند. نتایج نشان داد که در این دوره، مراکش بیشترین و بنگلادش کمترین میزان را در شاخص رفاه اقتصادی دارا هستند و ایران نیز در بین کشورهای مورد مطالعه، در رده هشتم که جایگاه مطلوبی نیست، قرار دارد.

لطیفی و سجاسی قیداری (۱۳۹۰) در یک مطالعه، سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان را با استفاده از تکنیک تاپسیس اولویت‌سنجی کردند. آنها سی شاخص در حوزه رفاه اجتماعی احصا کردند و با استفاده از تکنیک توان رتبه‌ای و رتبه‌گذاری شاخص‌ها توسط پانزده تن از اساتید متخصص حوزه رفاه اجتماعی، شاخص‌ها را وزن دهی کردند. نتیجه نشان داد که نابرابری در سطح رفاه اجتماعی در بین شهرستان‌های استان زنجان وجود دارد و شهرستان زنجان با ۰/۵۰ و شهرستان خدابنده با ۰/۱۸ به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین رتبه را در رفاه اجتماعی به خود اختصاص دادند.

جعفری صمیمی و حسینی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به برآورد و ارزیابی رفاه اقتصادی با استفاده از شاخص ترکیبی CIEWB پرداختند و روند رفاه را برای سه برنامه توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۲) سنجش کردند. آنها به منظور سنجش ابعاد و شاخص کل رفاه، از روش نرمال‌سازی براساس سال پایه (سال نخست برنامه اول توسعه)، و برای آزمون تحلیل حساسیت، از جدول وزنی یکسان (۰/۲۵ برای هر بعد) و تورش‌دار به سمت مصرف و امنیت اقتصادی استفاده کردند. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از درآمد ملی سرانه به عنوان یک شاخص رفاه، نرخ رشد رفاه را بیش از مقدار واقعی آن نشان می‌دهد. همچنین ابعاد امنیت اقتصادی و مصرف، از نرخ رشد بیشتری نسبت به ثروت و توزیع درآمد برخوردار بوده است.

صادقی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «رویکردی نو به برآورد شاخص رفاه در ایران با استفاده از منطق فازی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۳»، از طریق نرم‌افزار متلب و دو شاخص درآمد سرانه و توزیع درآمد، به تخمین رفاه و روند آن پرداخته‌اند. نتایج این بررسی که با توجه به دیدگاه سن در مورد رفاه استخراج شده است، نشان می‌دهد که با وجود نوسانات فراوان، روند رفاه در کشور طی دوره مورد بررسی صعودی بود و مقدار ماکزیمم و مینیمم این روند، طی سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۸۴ رخ داده که به ترتیب برابر ۰/۷۱۵ و ۰/۴۲۱ بوده است.

مولایی (۱۳۸۶) در پژوهشی به مطالعه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و میزان دوگانگی خدمات و رفاه اجتماعی بین استان‌های ایران در بخش خدمات و رفاه اجتماعی طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۳ پرداخته است. او برای سنجش و مقایسه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های مختلف کشور و میزان نابرابری، از روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی استفاده کرده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که سطح توسعه خدمات و رفاه اجتماعی افزایش یافته؛ اما توزیع آن نامتوازن‌تر شده است. در نتیجه باید با گسترش عادلانه خدمات و رفاه اجتماعی، در پی کاهش فقر و افزایش رفاه در سراسر کشور بود.

جلالی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی تابع رفاه اجتماعی در ایران»، ضمن بررسی مختصر روش‌های ترتیبی بررسی سطح رفاه، به محاسبه شاخص رفاه آمارتیا سن پرداخته و تمهیدهایی برای آن نیز پیشنهاد داده است. همچنین او به بررسی سهم نسبی اجزای تشکیل دهنده رفاه و نسبت تغییرات هزینه‌ای پرداخته و نتیجه گرفته است که عمده رفاه خانوارها، از حاصل مصرف مواد خوراکی و آشامیدنی و مسکن است. استفاده از ابزارهای مدیریتی در توزیع درآمد، همانند مالیات، پرداخت یارانه‌های هدفمند، بیمه‌های درمانی و تأمین اجتماعی، و کنترل قیمت‌ها، می‌توانند از عوامل افزایش رفاه کل باشد.

فیض‌زاده و مدنی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: شاخص‌شناسی برای تبیین و سنجش»، پس از تبیین سیر تاریخی مفاهیم تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی، به حوزه شاخص‌های اجتماعی مورد نیاز برنامه‌های توسعه در قالب شاخص‌های متعدد، از جمله رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی و سلامت، می‌پردازد؛ سپس سه دسته از شاخص‌های اجتماعی، شامل رفاه هنجاری، رفاه رضایت از زندگی و رفاه توصیفی را تبیین می‌کند. همچنین آنها رفاه را با شاخص‌های ساده و ترکیبی، پس از بیان ویژگی‌ها و تفاوت آنها، ارزیابی می‌کنند. آنها ۲۲۱ شاخص ساده و ترکیبی را استخراج کرده و ویژگی‌هایی همچون شاخص‌های بهداشت و درمان، اشتغال، حوادث، خدمات اجتماعی، آموزش و کیفیت نیروی انسانی، عدالت، کیفیت زندگی، وفاق و یکپارچگی اجتماعی، محیط‌زیست و مسکن را مورد بحث قرار داده‌اند.

لشکری (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های رفاه اجتماعی»، این شاخص‌ها را به دو گروه کمی و کیفی تقسیم کرده است. او برای شاخص‌های کمی، مؤلفه‌های اشتغال کامل، تولید (درآمد) سرانه، امید به زندگی در بدو تولد، نرخ باسوادی، هزینه‌های بهداشت و درمان را مطرح می‌کند. وی برای شاخص‌های کیفی رفاه نیز بدون ارائه مبانی نظری خاصی، متغیرهایی چون آزادی انتخاب، اراده سیاسی، عزت نفس، ثبات و امنیت را پیشنهاد می‌کند.

۲-۲. مطالعات خارجی

اربن (Urban) (۲۰۲۳) در پژوهشی با ادغام شاخص جینی و میانگین درآمد، کشورها را براساس نابرابری و رفاه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در این تحقیق، نخست شاخص‌های مختلف نابرابری درآمدی و رفاه اجتماعی را با استفاده از شاخص جینی و میانگین درآمد جمعیت به دست می‌آورد؛ سپس به بررسی شاخص‌های موجود و ارائه چندین شاخص جدید از این دست می‌پردازد. درحالی که به نظر می‌رسد محققان معاصر دغدغه نابرابری نسبی را دارند، وی در این مقاله با استفاده از دیدگاه‌های نابرابری متوسط می‌پردازد و به بررسی، تحلیل و رتبه‌بندی نابرابری برای ۳۶ کشور اروپایی براساس رفاه اجتماعی اقدام می‌کند و با تجزیه و تحلیل تجربی، مزایای چنین رویکردی را نشان می‌دهد.

ریورس (Rivers) و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی روندهای رفاهی مبتنی بر دیدگاه عملکرد رفاه اجتماعی سن می‌پردازند. آنها در این مقاله از ساخت نظری تابع رفاه اجتماعی سن برای تخمین روندهای رفاه برای مناطق مختلف جهان استفاده می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که بین درآمد، نابرابری و رفاه در مناطق یادشده، روابط ناهمگون وجود دارد. از این رو این نکته دلالت بر این دارد که رفاه در بین مناطق، به‌طور مشابه تحت تأثیر توزیع نابرابر درآمد قرار نمی‌گیرد؛ در حالی که برخی از مناطق با بهبود توزیع درآمد، که منجر به اقدامات رفاهی بهتر می‌شود، همبستگی مثبت دارند. همچنین در کوتاه‌مدت، رشد اقتصادی عامل غالب در هدایت رفاه است.

آندرو (Andrew) (۲۰۱۹) در پژوهشی ابراز می‌کند که تولید ناخالص داخلی، اغلب به‌عنوان معیاری برای رفاه اقتصادی کشورها در نظر گرفته می‌شود و حتی اگر هرگز چنین نباشد، این یک معیار از بازدهی قابل توجه اقتصاد است. این پژوهش در بخش نخست، بر ادغام اطلاعات در مورد توزیع درآمد، مصرف و ثروت در حساب‌های ملی، متمرکز شده است. در بخش دوم، اثرات دیجیتالی شدن و رشد اینترنت و ارزش بالقوه آن در اندازه‌گیری استفاده از زمان به‌عنوان معیار رفاه، بررسی شده است. در بخش سوم، انقلاب دیجیتال و بسیاری از کالاهای جدید و اغلب رایگان آن، مانند خدمات دولتی - که بررسی نتایج رفاهی آن را دشوار کرده است - مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه، اندازه‌گیری رفاه اقتصادی به‌درستی، اهمیت دارد؛ زیرا این امر بر تصمیم‌گیری‌های دولت و جامعه تأثیر می‌گذارد. تولید ناخالص داخلی برای سنجش بازده بازار قابل استفاده در اقتصاد - که برای برخی از سیاست‌ها اهمیت دارد - مفید است؛ اما باید کاهش یابد و باید توجه بیشتری به تدابیری صورت گیرد که منعکس‌کننده هر دو اقدامات عینی و ذهنی رفاه و اقداماتی که منعکس‌کننده ناهمگونی تجربیات مردماند، باشد.

برینجولفسون (Brynjolfsson) و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی، با استفاده از تجربه‌های گسترده آنلاین، به سنجش تغییر رفاه پرداختند و تولید ناخالص داخلی و معیارهای حاصل از آن مانند بهره‌وری را در ترسیم پیشرفت اقتصادی و رفاه مؤثر نداشتند. آنها مدعی هستند که پتانسیل تجربه‌های آنلاین، یک انتخاب جداگانه باینری برای سنجش تمایل مصرف‌کنندگان در مورد جبران خسارت از دست رفته ناشی از دسترسی به کالاهای دیجیتالی است و از این طریق، تغییرات مازاد مصرف‌کننده، تخمین زده می‌شود. بر این اساس آنها معتقدند که تولید ناخالص داخلی شاخصی مناسب برای سنجش میزان رفاه نیست و اندازه‌گیری مازاد مصرف‌کننده معیار بهتری برای رفاه مصرف‌کننده ارائه می‌دهد. این مقوله به طور فزاینده‌ای در اقتصاد دیجیتال وجود دارد. کالاهای دیجیتال با وجود قیمت صفر در بازار، مقدار زیادی رفاه برای مصرف‌کننده ایجاد می‌کنند. در حالی که نتیجه دستاوردهای رفاهی حاصل از این کالاها در تولید ناخالص داخلی یا آمار بهره‌وری منعکس نمی‌شود. این مطالعه با طراحی پرسش‌های دوره‌ای از یک نمونه بزرگ از کالاها و خدمات، از جمله کالاهایی که در بازارهای موجود قیمت ندارند، نشان داده است که تغییرات در مازاد مصرف‌کننده و سایر معیارهای جدید رفاه حاصل از آزمایش‌های انتخاب آنلاین، ظرفیت ارائه مکمل‌های موثری به حساب‌های تولید و درآمد ملی را دارند.

سلسنیک (Slesnick) (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای، به رویکردهای تجربی در سنجش رفاه می‌پردازد. او سنجش سطح رفاه را اساس تحلیل‌های سیاست‌های عمومی عنوان می‌کند و منظور کردن کامل مالیات‌ها، یارانه‌ها، برنامه‌های انتقال، اصلاح مراقبت‌های بهداشتی، مقررات، سیاست‌های زیست‌محیطی، سیستم تأمین اجتماعی و اصلاحات آموزشی را در نهایت به بررسی چگونگی تأثیر این سیاست‌ها بر رفاه افراد معطوف می‌کند. اگرچه برای بسیاری از مشکلات، تجزیه و تحلیل اقتصادی بسیار مهم است، اما استفاده گسترده از شاخص مازاد مصرف‌کننده به‌عنوان معیار رفاه فردی و اجتماعی در اقتصاد رفاه کاربردی، از تأثیرات پیشنهاد هاربرگر است که به‌رغم سال‌ها انتقاد، همچنان روش انتخاب در بین افراد غیرمتمخصص به‌شمار می‌رود.

اوسبرگ (Osberg) و شارپ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای شاخص رفاه اقتصادی آمریکا و کانادا در سال ۲۰۰۱م را بررسی می‌کنند. نتایج آنها نشان می‌دهد که پایداری ذخایر، به‌ویژه ذخایر محیطی، نابرابری و امنیت اقتصادی، از اجزای مهم رفاه اقتصادی در این دو کشور بوده است. کانادا سطوح کمتری از مصرف سرانه (۶۹/۲ درصد) و ذخایر ثروت (۹۲/۱ درصد) را نسبت به آمریکا تجربه کرده؛ در صورتی که سطوح بالاتری از برابری (۱۴/۳۸ درصد) و امنیت اقتصادی (۱۵۰/۲ درصد) را به خود اختصاص داده است؛ ضمن آنکه آزمون وزن‌دهی یکسان ابعاد، نشان می‌دهد که رفاه اقتصادی کشور کانادا به‌اندازه ۱۳/۸ درصد بالاتر از رفاه اقتصادی کشور آمریکا بوده است.

شارپ (Sharpe) (۱۹۹۹) در پژوهشی به بررسی و مقایسه شاخص‌های اصلی اقتصادی و اجتماعی ملی و بین‌المللی پرداخته است. این مقاله در سه قسمت به مروری کوتاه بر شاخص‌های اجتماعی، نگاهی به تاریخچه جنبش شاخص‌های اجتماعی، انواع شاخص‌های اجتماعی، اهداف شاخص‌های اجتماعی و چگونگی توسعه شاخص‌ها می‌پردازد و برخی شاخص‌ها را مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌دهد.

پژوهش حاضر، برخلاف مطالعات پیشین، که بیشتر جنبه نظری داشته‌اند، بر بعد کاربردی و سیاستی متمرکز شده است. برخی مطالعات با رویکرد فلسفی به مفهوم سعادت و خوشبختی پرداخته‌اند و برخی دیگر نیز در حوزه اقتصاد، بیشتر با رویکرد نظری این مقوله را مورد پژوهش قرار داده‌اند؛ در حالی که وجوه کاربردی و سیاستی رفاه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین لازمه‌های مقوله رفاه در بُعد سیاست‌گذاری، چگونگی سنجش و اندازه‌گیری رفاه است. از این‌رو برای کاربست و سیاست‌گذاری در باب رفاه باید مؤلفه‌های رفاه را شناسایی کرد و مبتنی بر ابعاد ذهنی و عینی، میزان رفاه و به‌روزی را در سطوح فردی و اجتماعی جامعه از طریق سنجش‌های صحیح، کامل و جامع اندازه‌گیری نمود.

البته در مطالعات غیراسلامی درباره ابعاد کاربردی و سیاست‌گذاری و شاخص‌سازی‌ها در حوزه رفاه، پژوهش‌های نسبتاً خوبی از جنبه‌های مختلف انجام شده؛ اما در این مطالعات به ابعاد دینی مقوله رفاه پرداخته نشده است. نوآوری این مقاله، در شناسایی و طراحی شاخص‌های اسلامی از منظر یکی از اندیشمندان بزرگ اسلامی و مقایسه شاخص‌های آن با شاخص‌های ترکیبی متعارف در حوزه رفاه است؛ به‌علاوه این مقاله در حوزه

سیاست‌گذاری، با بررسی شاخص‌های متعارف رفاه و تطبیق و قیاس آن با شاخص‌های اسلامی، بهتر می‌تواند به سیاست‌گذار در ترسیم و سنجش وضعیت رفاه جامعه کمک کند. گذشته از اینها، از میان شاخص‌های موجود رفاه، این مطالعه بر شاخص‌های ترکیبی متمرکز شده است. این شاخص‌ها برخلاف شاخص‌های منفرد، جامع‌ترند و امکان پیشنهادهای بهتر و دقیق‌تر را برای سیاست‌گذاران در عرصه سنجش رفاه و اعمال سیاست‌ها به‌ارمغان می‌آورند.

۳. شاخص‌های ترکیبی رفاه در اقتصاد متعارف

در اقتصاد متعارف، شاخص‌های مختلفی برای سنجش ترکیبی رفاه یک جامعه طراحی شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. هریک از این شاخص‌ها تمرکز خاصی بر یک یا چند مؤلفه دارند؛ اما نقطه مشترک هر کدام، سنجش رفاه در قالب و پارادایم اقتصاد متعارف و نوع نگرشی که به انسان و مصرف و رفاه دارند.

۳-۱. شاخص رفاه اقتصادی

شاخص رفاه اقتصادی توسط مرکز استانداردهای زندگی در کانادا مطرح شد. شاخص رفاه بازار نیروی کار، نام دیگر این شاخص است که در آن، رفاه به مؤلفه‌هایی مانند جریان متوسط مصرف، ثروت یا انباشت ذخایر تولیدی، نابرابری در توزیع درآمد فردی، و ناامنی در پیش‌بینی درآمد آینده با اختصاص وزن‌هایی از روش‌های مختلف بستگی دارد (شارپ، ۱۹۹۹، ص ۱۶). چهار مؤلفه در شاخص رفاه اقتصادی عنوان می‌شود که در جدول (۱) آورده شده است (اوسبرگ و شارپ، ۲۰۰۱، ص ۶).

جدول ۱: شاخص‌های رفاه اقتصادی (IEWB)

ردیف	معیارها	شاخص‌ها
۱	جریان‌های مصرفی	سرانه مصرف بازار، سرانه مخارج دولت، تنوع در ساعت کار (اوقات فراغت)
۲	ذخیره ثروت	سرانه ذخیره ثروت، سرانه تحقیق و توسعه، سرانه ذخایر طبیعی، سرمایه انسانی، سرانه بدهی خالص خارجی، هزینه‌های زیست‌محیطی، ذخایر مسکن
۳	برابری	شدت فقر (میزان بروز و عمق) و نابرابری درآمد (ضریب جینی درآمد پس از مالیات))
۴	امنیت	خطر ناشی از بیکاری، خطر ناشی از بیماری، خطر فروپاشی خانواده و خطر فقر در سنین پیری

۳-۲. میزان رفاه اقتصادی

شاخص میزان رفاه اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۷۰م توسط نوردهاوس (Nordhaus) و توبین (Tobin) طراحی شد و همچون شاخص پیشرفت واقعی، از هزینه‌های مصرف شخصی به‌عنوان نقطه عطف استفاده می‌کند (شارپ، ۱۹۹۹، ص ۱۱). نویسندگان در بیان نواقص معیار تولید ناخالص داخلی معتقدند که هدف فعالیت‌های اقتصادی، مصرف است. براین اساس، نوردهاوس و توبین شاخص‌ها را به دو دسته مشتمل بر رفاه اقتصادی واقعی و پایدار تقسیم می‌کنند (نوردهاوس و توبین، ۱۹۷۲).

جدول ۲: شاخص‌های میزان رفاه اقتصادی (MEW)

شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی	ردیف
میزان رفاه اقتصادی واقعی	مخارج مصرف شخصی، ارزش مخارج کالاها، مداوم مصرفی، هزینه‌های بهداشت و آموزش، هزینه فرصت کار، ارزش فعالیت‌های غیربازاری، هزینه‌های آلودگی، هزینه‌های امنیت، مخارج دولت، خدمات سرمایه‌ای دولت	۱
میزان رفاه اقتصادی پایدار	سرمایه خالص تجدیدپذیر (زیرساخت و تجهیزات و موجودی کالا)، سرمایه تجدیدناپذیر (ارزش زمین و دارایی‌های خالص خارجی)، سرمایه آموزش، سرمایه سلامت	۲

۳-۳. شاخص پیشرفت واقعی

شاخص پیشرفت واقعی، یکی از انواع شاخص رفاه اقتصادی پایدار است که توسط *دالی و کاب* در سال ۱۹۸۹ ارائه شد. آنها بر این باورند که به‌سختی می‌توان از طریق اندازه‌گیری درآمد ملی، رفاه یک ملت را استنباط کرد؛ زیرا فعالیت‌هایی که کیفیت زندگی ما را پایین می‌آورند، مانند جرم و جنایت، آلودگی و اعتیاد به قمار، در آن نقش دارند. شاخص پیشرفت واقعی، برعکس شاخص درآمد ملی، فعالیت‌های مفید را مثبت و فعالیت‌های آسیب‌رسان را منفی می‌شمارد. از آنجاکه تولید ناخالص داخلی فقط مقدار فعالیت بازار را بدون محاسبه هزینه‌های اجتماعی و اکولوژیکی اندازه‌گیری می‌کند، به‌عنوان معیاری برای رفاه واقعی، ناکافی و گمراه‌کننده است (تالبرث و همکاران، ۲۰۰۷). از این‌رو شاخص پیشرفت واقعی، روش بهتری برای سنجش پیشرفت و رفاه اجتماعی ما ارائه می‌دهد. شاخص پیشرفت واقعی به‌صراحت به کیفیت محیط، سلامت، جمعیت، امنیت، معیشت، عدالت، اوقات فراغت و تحصیلات اهمیت می‌دهد و کارهای خانگی و داوطلبانه بدون حقوق و همچنین کار با حقوق را ارزیابی می‌کند.

جدول ۳: شاخص‌های پیشرفت واقعی (GPI)

شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی	ردیف
رفاه اقتصادی جاری	مصرف شخصی، فعالیت‌های غیربازاری و اوقات فراغت، آلودگی (صوتی، آب، هوا و خاک)، سلامت، جمعیت، امنیت معیشت، عدالت، تحصیلات، کارهای خانگی و داوطلبانه بدون حقوق، کار با حقوق، بیماری، جرم و جنایت	۱
توسعه اقتصادی پایدار	کاهش منابع طبیعی (انرژی تجدیدناپذیر و زمین‌های کشاورزی)، موجودی سرمایه، پرداخت‌های جبرانی، بدهی خارجی و آسیب‌های زیست‌محیطی در درازمدت	۲

۳-۴. شاخص سلامت اجتماعی

مارک میرینگوف (Marc L. Miringoff) در سال ۱۹۸۷ شاخص سلامت اجتماعی را برای بررسی پیشرفت و نظارت در برخی امور اجتماعی بر رفاه اجتماعی در ایالات متحده طراحی کرد. این شاخص‌های اقتصادی اجتماعی با شانزده موضوع اجتماعی مربوط به بهداشت، مرگ‌ومیر، نابرابری و دسترسی به خدمات، برای پوشش دادن تمام مراحل زندگی، با شاخص‌های فرعی جداگانه برای هر گروه سنی تدوین شدند. شاخص‌های این روش دارای فواید زیر هستند:

۱. گروه‌های سنی جهانی هستند و همه افراد بالقوه از همه گروه‌های سنی عبور می‌کنند؛
۲. گروه‌های سنی به‌طور مفهومی در بین مؤلفه‌ها ادغام می‌شوند و یک چارچوب جامع ایجاد می‌کنند؛
۳. گروه‌های سنی چندین روند مهم معاصر را برجسته می‌کنند؛ مانند وضعیت بد کودکان و بهبود وضعیت سالمندان؛
۴. گروه‌های سنی توسط مردم به‌راحتی قابل درک‌اند (میرینگوف، ۱۹۹۹).

جدول ۴: شاخص‌های سلامت اجتماعی (ISH)

ردیف	شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی
۱	تمام گروه‌های سنی	قتل‌ها، تلفات ناشی از الکل، دسترسی به غذا، دسترسی به مسکن ارزان‌قیمت و شکاف بین فقیر و غنی
۲	کودکان	مرگ‌ومیر نوزادان، کودک‌آزاری و فقر کودکان
۳	جوانان	خودکشی در نوجوانان، سوءمصرف مواد مخدر و ترک تحصیل در دبیرستان
۴	بزرگ‌سالان	بیکاری، متوسط درآمد هفتگی و پوشش بیمه درمانی
۵	سالمندان	فقر افراد بالای ۶۵ سال و هزینه‌های سلامت برای سالمندان

۳-۵. شاخص استاندارد زندگی (سارلو)

کریستوفر سارلو (Christopher Sarlo) اقتصاددانی است که برای مؤسسه فریزر (Fraser Institute) یک شاخص اکتشافی از استاندارد زندگی براساس هشت مؤلفه ایجاد کرده است. هریک از این هشت مؤلفه به‌طور مساوی وزن دارند و شامل سرانه مصرف واقعی خانوار، سرانه درآمد واقعی خانوار، شاخص امکانات خانوار، درصد جمعیت دارای مدرک تحصیلی یا دیپلم، نرخ بیکاری، امید به زندگی، شاخص ثروت خانوار (ارزش خالص سرانه)، و میزان سرمایه اجتماعی است (سارلو و دیگران، ۲۰۱۷).

جدول ۵: شاخص‌های استاندارد زندگی (IIS)

ردیف	شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی
۱	شاخص استاندارد زندگی	مصرف واقعی خانوار، درآمد واقعی خانوار، امکانات خانوار، امید به زندگی، ثروت خانوار، بیکاری، نیل به تحصیل، شاخص‌های اجتماعی

۳-۶. شاخص توسعه انسانی

مشهورترین شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی و اقتصادی، شاخص توسعه انسانی است که توسط برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) تهیه شده است. این شاخص برای اولین بار در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. از این شاخص به‌دلیل تغییرات مکرر در روش، بیشتر برای مقایسه‌های بین‌المللی تا ردیابی روند توسعه انسانی در طول زمان در یک کشور استفاده می‌شود. این شاخص از سه نماگر تشکیل شده است: طول عمر، که با امید به زندگی هنگام تولد اندازه‌گیری

می‌شود؛ تحصیلات، که با ترکیبی از سواد بزرگسالان (وزن دوسوم) و نسبت ثبت‌نام ناخالص سطح اول، دوم و سوم (وزن دوسوم) اندازه‌گیری می‌شود؛ و سطح زندگی، که با تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه (براساس برابری قدرت خرید) اندازه‌گیری می‌شود.

جدول ۶: شاخص‌های توسعه انسانی (HDI)

شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی	ردیف
شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی، سطح زندگی (نسبت جمعیت بدون دسترسی به آب سالم، نسبت بدون دسترسی به خدمات بهداشتی و نسبت بچه‌های دارای وزن متوسط و بالای زیر پنج سال)، تحصیلات	۱

۳-۷. شاخص کیفیت زندگی

اد دینر (Ed Diener) روان‌شناسی است که شاخص کیفیت زندگی را براساس مجموعه‌ای از ارزش‌های جهانی مبتنی بر تحقیقات شو/رتز (Schwartz) طراحی کرده است. وی ۴۵ ارزش را در تمام فرهنگ‌ها مشخص می‌کند که منعکس‌کننده سه نیاز جهانی انسان است: تأمین نیازهای بیولوژیکی، هماهنگی تعامل اجتماعی و نیازهای بقا و رفاه (شارپ، ۱۹۹۹، ص ۲۹).

جدول ۷: شاخص‌های کیفیت زندگی (QOL)

شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی	ردیف
شاخص کیفیت زندگی اساسی	قدرت خرید، میزان قتل، نیاز اساسی، میزان خودکشی، میزان سواد، نص فاحش حقوق بشر، جنگل‌زدایی (محیط زیست)	۱
شاخص کیفیت زندگی پیشرفته	سرانه پزشکان، میزان پس‌انداز، درآمد سرانه، رفاه ذهنی، میزان ثبت‌نام دانشگاه، معاهدات زیست‌محیطی، نابرابری درآمد	۲

۳-۸. شاخص پیشرفت اجتماعی

شاخص پیشرفت اجتماعی توسط استس (Richard J. Estes) در سال ۱۹۹۷ برای شناسایی تغییرات قابل توجه در کفایت تأمین اجتماعی و ارزیابی پیشرفت در تأمین مناسب‌تر نیازهای اساسی اجتماعی و مادی جمعیت جهان طراحی شده است. شاخص پیشرفت اجتماعی از ۴۶ شاخص تشکیل شده که به ده شاخه اصلی تقسیم می‌شوند. همه ۴۶ شاخص به‌عنوان شاخص‌های معتبر رشد اجتماعی شناخته شده‌اند. استس استدلال می‌کند که شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی، نسبت به سایر شاخص‌های پیشرفت ملی و بین‌المللی، مانند تولید ناخالص داخلی و شاخص توسعه انسانی، ابزاری جامع‌تر، معتبرتر و مطمئن برای ارزیابی تغییرات در رفاه و توسعه اجتماعی در طول زمان است. این شاخص، عملکرد کشور را در بسیاری از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی به‌صورت دقیق سنجش می‌کند. براین اساس شاخص پیشرفت

اجتماعی، نخستین چارچوب برای اولویت‌بندی و سنجش و رصد پیشرفت عملکرد اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند (گرین و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۳).

جدول ۸: شاخص‌های پیشرفت اجتماعی (ISP)

ردیف	شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی
۱	آموزش	درصد گروه سنی ثبت‌نام‌شده، سطح ابتدایی، درصد ثبت‌نام کلاس اول در حال اتمام دبستان، درصد گروه سنی ثبت‌نام‌شده، سطح متوسطه، درصد گروه سنی ثبت‌نام‌شده، سطح عالی، درصد بیسواد بزرگسالان، درصد تولید ناخالص ملی در آموزش
۲	وضعیت سلامت	امید به زندگی در یک سال، میزان مرگ‌ومیر نوزادان به‌ازای هر هزار نوزاد زنده، نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال، جمعیت هزاران نفر برای هر پزشک، میزان سرانه کالری روزانه به‌عنوان نیاز درصد کودکان کاملاً ایمن شده در سن یک‌سالگی، DPT، درصد کودکان کاملاً ایمن شده در سن یک‌سالگی، سرخک
۳	وضعیت زنان	انتظار زندگی زن هنگام تولد، نرخ سواد بزرگسالان زن، درصد زنان متأهل با استفاده از پیشگیری از بارداری، میزان مرگ‌ومیر مادران در هر ده هزار تولد زنده، ثبت‌نام در مدارس ابتدایی زنان به‌عنوان درصد مردان، ثبت‌نام دبیرستان دخترانه به‌عنوان درصد مردان
۴	تلاش‌های دفاعی	هزینه‌های نظامی به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی
۵	اقتصادی	سرانه تولید ناخالص ملی به دلار، تولید ناخالص داخلی واقعی به‌ازای هر نفر، نرخ رشد سالانه GNP، سرانه نرخ متوسط سالانه تورم، شاخص تولید مواد غذایی، سرانه بدهی عمومی خارجی به‌عنوان درصد تولید ناخالص داخلی
۶	جمعیت‌شناسی	میلیون‌ها جمعیت کل، نرخ تولد خام به‌ازای هر هزار نفر جمعیت، میزان افزایش جمعیت، درصد جمعیت زیر پانزده سال، درصد جمعیت بیش از شصت سال
۷	جغرافیا	درصد توده زمین قابل کشت، شاخص آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی، میانگین سالانه مرگ ناشی از بلایای طبیعی به‌ازای هر میلیون نفر
۸	مشارکت سیاسی	نقض شاخص حقوق سیاسی، نقض شاخص آزادی‌های مدنی، شاخص رنج انسانی مرکب
۹	تنوع فرهنگی	بزرگ‌ترین درصد اشتراک زبان مادری مشابه، بزرگ‌ترین درصد اشتراک عقاید مذهبی اساسی، بزرگ‌ترین درصد اشتراک و تشابه نژادی و قومی
۱۰	تلاش‌های رفاهی	پیری، بی‌اعتباری، مرگ، بیماری، زایمان، آسیب ناشی از کار، بیکاری، کمک‌هزینه خانواده

۹-۳. شاخص لگاتوم

مؤسسه لگاتوم (Legatum Institute) از سال ۲۰۰۷ تاکنون برای ارزیابی و مقایسه میزان رفاه کشورها، شاخص‌های ترکیبی‌ای نظیر ثروت، رشد اقتصادی و کیفیت زندگی طراحی کرده است. شاخص ترکیبی لگاتوم برای سنجش رفاه در هشت حوزه، از جمله اقتصاد، کسب‌وکار، حکمرانی، آموزش، سلامت، امنیت و ایمنی،

آزادی‌های فردی و سرمایه اجتماعی تنظیم شده (لگاتوم، ۲۰۱۸؛ مهرائی، ۱۳۹۷) و در جدول (۹) همراه با شاخص‌های فرعی نشان داده شده است.

جدول ۹: شاخص‌های رفاه لگاتوم (LPI)

ردیف	شاخص اصلی	شاخص‌های فرعی
۱	اقتصاد	میانگین پنج‌ساله میزان رشد، اعتماد به نهادهای مالی، وضعیت اشتغال، چشم‌انداز اقتصادی، میزان پس‌انداز ناخالص ملی، دسترسی به مشاغل، سرپناه و غذای کافی، میزان تورم، رضایت از کیفیت زندگی، اندازه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وام‌های موقه، نرخ بیکاری، صادرات فناوری پیشرفته، اندازه بازار و میانگین سرانه سرمایه‌فیزیکی کارگران
۲	کارآفرینی و فرصت	هزینه‌های شروع کسب‌وکار، سرورهای اینترنتی ایمن، هزینه‌های تحقیق و توسعه، پهنای باند اینترنت، توسعه نامتوازن اقتصادی، تلفن همراه به‌ازای هر خانوار، صادرات فناوری، اطلاعات و ارتباطات، هزینه‌های حق امتیاز و صدور مجوز، وضعیت کارآفرینی و تلفن‌های همراه در هر صد نفر
۳	حکمرانی	ثبات حکومت، کارآمدی دولت، حاکمیت قانون، تفکیک قوا، کارایی قوانین و مقررات، حقوق سیاسی، محدودیت‌های سیاسی، نوع دولت (دموکراتیک یا استبدادی)، اقدامات در راستای قفزدایی، اعتماد و صحت انتخابات، اعتماد به حکومت ملی، فساد دولت و بنگاه‌ها، و بیان نظرات به مقامات سیاسی
۴	آموزش	میزان کل ثبت‌نام در دوره متوسطه، نسبت دانش‌آموزان به معلمان، میزان خالص ثبت‌نام دوره ابتدایی، ثبت‌نام دختران به پسران، میزان کل ثبت‌نام دانشگاهی، رضایت از سیستم آموزشی، میانگین تحصیلات متوسطه در نیروی کار، میانگین تحصیلات دانشگاهی در نیروی کار و فرصت تحصیل و آموزش برای کودکان
۵	بهداشت و سلامت	میزان مرگ‌ومیر نوزادان، طول عمر، میزان مصونیت در برابر بیماری‌های واگیردار، شیوع ویه، سوءتغذیه، میزان سرانه هزینه‌های بهداشت، رضایت از وضعیت بهداشت و سلامت، سطح استرس، رضایت از شرایط فیزیکی و زیبایی محیطی، تعداد تخت‌های بیمارستان، کیفیت آب، وضعیت بهداشت و سلامت، میزان مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های تنفسی، مشکلات سلامتی و بهداشتی و میزان مصونیت در برابر سرخک و طول عمر (با احتساب سلامت)
۶	امنیت	جنگ‌های داخلی، حمله و تجاوز، بی‌ثباتی جمعیتی، بیان نظرات سیاسی بدون ترس، ظلم و بی‌عدالتی‌های جمعی، پناهندگان و آوارگان، مهاجرت نخبگان و مخالفان سیاسی، خشونت سیاسی از سوی دولت، دزدی و پیاده‌روی امن در شب
۷	آزادی	رواداری نسبت به گروه‌های اقلیتی، آزادی‌های مدنی، رواداری نسبت به مهاجران و آزادی انتخاب
۸	سرمایه اجتماعی	میزان اعتماد کردن به دیگران، قابلیت اعتماد به دیگران، وضعیت تأهل، اهدا و بخشش، کمک به غریبه‌ها، حضور در مراسم مذهبی و فعالیت‌های داوطلبانه

۱۰-۳. نقد و ارزیابی شاخص‌های ترکیبی رفاه

شاخص‌های متعارف ترکیبی رفاه، هر کدام به‌نوعی از نظرگاه خود به مقوله رفاه پرداخته و شاخص‌هایی را ارائه داده‌اند. با وجود این، هریک از این شاخص‌ها در دو بعد کلی و جزئی دارای اشکال‌اند. همه این شاخص‌ها در وهله نخست صرفاً رویکرد دنیوی و سکولار به مقوله رفاه و سعادت دارند. دومین اشکال کلی به شاخص‌های مذکور این است که به‌طور متوازن به ابعاد عینی و ذهنی مقوله رفاه نپرداخته و آن را مورد مطالعه قرار نداده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، در اغلب شاخص‌های متعارف ترکیبی رفاه، یا بیشتر به حوزه عینیت‌ها متمایل شده‌اند یا به حوزه ذهنیت‌ها

پرداخته‌اند و دسته‌بندی متوازن و شفافى نداشته‌اند. سومین مسئله نیز فقدان طبقه‌بندی منسجم و همه‌جانبه است که در تمامی شاخص‌های ارائه‌شده مشهود است. به همین صورت می‌توان هر یک از شاخص‌ها را به‌صورت جزئی مورد نقد و ارزیابی قرار داد. از همه مهم‌تر اینکه تاکنون شاخص‌هایی برای سنجش ترکیبی رفاه در جوامع مسلمین با رویکرد اسلامی و جهان‌روا طراحی نشده است و این پژوهش می‌تواند آغازی بر نواندیشی اسلامی در این زمینه مبتنی بر اصول اسلامی باشد.

از طرفی دیگر، دیدگاه صدرایی در مقایسه با دیگر نظرها، با دیدگاه کمال‌گرایانی مانند ناسبام، از این نظر که هر دو به‌روزی انسان را در گرو کمال او می‌دانند، شباهت دارد. با وجود این، دیدگاه صدرایی با دیدگاه ناسبام تمایز اساسی دارد. هر چند دیدگاه ناسبام نیز منطبق بر دیدگاه ارسطویی، به‌روزی انسان را زندگی بافضیلت می‌داند، ولی همان‌طور که بیان شد، در این دیدگاه، انسان صرفاً مادی در نظر گرفته شده است و زندگی بافضیلت انسان در سایه تنها ارزش اصیل انسان، یعنی آزادی و خودمختاری تعریف می‌شود؛ درحالی‌که در دیدگاه صدرالمتألهین، انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است و ارزش اصیل برای انسان، آزادی روح او از بند اسارت غرایز دنیوی است. در نتیجه به اعتقاد وی، اصل سعادت حقیقی برای انسان عبارت است از اینکه عقلش مستفاد از خداوند و قلبش منور به نور الهی باشد (صدرالمتألهین، ۱۳۹۱ق، ص ۶۲و۶۱)؛ بدین سبب، زندگی بافضیلت انسان در صورتی محقق می‌شود که افعال او با فضایل منطبق باشد.

۴. شاخص‌های رفاه و به‌روزی در دیدگاه صدرالمتألهین

در میان دیدگاه‌های موجود و منبعث از قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، صدرالمتألهین با بینشی موسع‌تر مشتمل بر ذهیت و عنیت، مقوله رفاه را مطرح کرده و در کتاب‌هایی همچون *اسفار*، *شواهد الربوبیه*، *شرح اصول کافی* و *تفسیر قرآن کریم* به بحث به‌روزی و سعادت انسان پرداخته است.

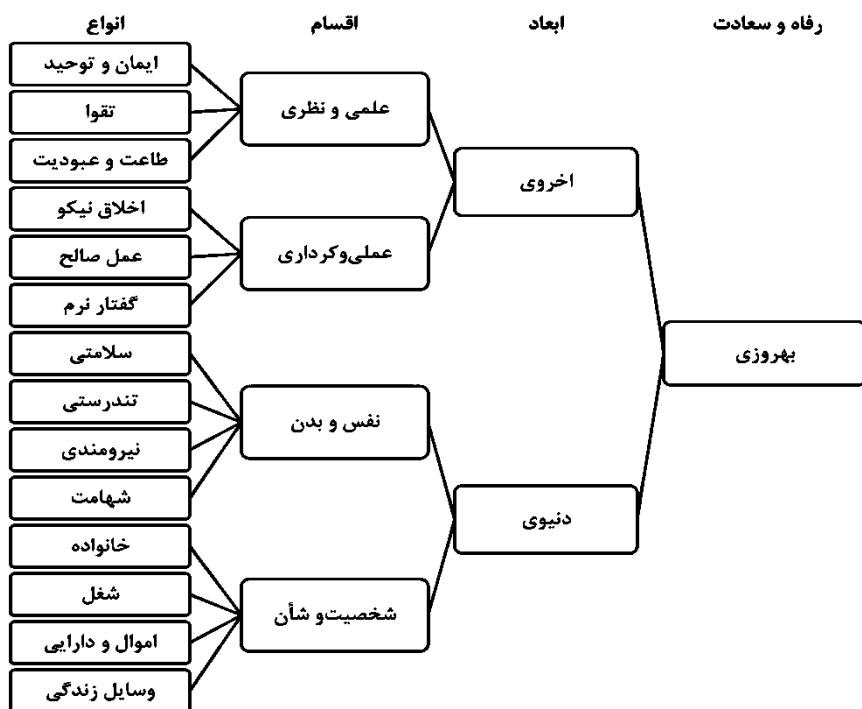
صدرالمتألهین به‌روزی را در گرو دستیابی به کمال می‌داند و معتقد است که لذت در سیر رسیدن به کمال و تحقق آن به‌دست می‌آید (صدرالمتألهین، ۱۳۹۱ق، ص ۳۹۷). وی سعادت و به‌روزی را به مراتب وجود و عقل بازمی‌گرداند و بر این باور است که هرچه وجود کامل‌تر و تمام‌تر باشد، سعادت‌مندتر است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۰۰، ۹۹ و ۱۲۱). بنابراین او معتقد است که سعادت عقلی، همان سعادت مقربان و کاملان در علم و معرفت الهی و نور است و سپس سعادت اصحاب یمین است که خودشان را از معاصی و شهوات پست، و قلوبشان را از امراض باطنی حفظ کرده‌اند. در نتیجه، سعادت و به‌روزی حقیقی در قرب به خداوند است و سعادت‌مند، همان بنده مقرب است (صدرالمتألهین، ۱۳۹۱ق، ص ۳۹۷ و ۳۹۸) که هم در امور اخروی و ذهنی و روحی با ایمان، توحید و تقوا و هم در امور دنیوی و عینی با انجام عمل صالح، خودش را بروز و ظهور می‌دهد.

در پیش صدرالمتألهین، سعادت دنیوی خود بر دو گونه است. قسم نخست، مرتبط با بدن انسان است و به‌منزله هر آن چیزی است که کمال بدن را تأمین می‌کند؛ مانند سلامت و تندرستی، توانایی و نیرومندی، طول عمر، زیبایی و مانند اینها. قسم دوم که مرتبط با خارج از بدن است، مشتمل بر به‌روزی‌هایی است که به‌طور مستقیم به

بدن خود شخص مربوط نیست. از جمله این نوع از سعادت دنیوی می‌توان به همسر، فرزندان، اموال و دارایی‌ها، فراهم بودن وسایل زندگی و مانند اینها اشاره کرد. البته وی مواردی مانند شجاعت و شهامت را نیز در قسم اول از بهروزی دنیوی نام می‌برد. بدین ترتیب منظور او از قسم بدنی، اعم از جسم است؛ به‌گونه‌ای که شامل شخصیت فرد هم می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۴۱۱ق، ج ۶ ص ۲۶۸؛ همو، ۱۳۹۱ق، ص ۴۲۷ و ۴۲۸). براین اساس، طبق دیدگاه صدرالمتألهین، هرآنچه به نفس و بدن فرد مرتبط می‌شود، از نوع نخست بهروزی دنیوی، و هرآنچه به شخصیت و شأن اجتماعی فرد مربوط می‌شود، از نوع دوم بهروزی دنیوی است.

همچنین صدرالمتألهین سعادت و بهروزی اخروی را نیز به دو دسته تقسیم می‌کند. نوع اول، مرتبه علمی است و به بعد عقلانی و نفس ناطقه انسان مربوط می‌شود که همان علم به حقایق اشیا و مرتبه علم‌الیقین است. مرحله کامل‌تر این قسم، ادراک و شهود حق تعالی و ملکوت است که وی آن را ایمان حقیقی و مراتب عین‌الیقین و حق‌الیقین می‌داند. نوع دوم بهروزی اخروی، عملی است و اعمال و کارها و انجام وظایف و تکالیف انسان را شامل می‌شود. وی اخلاق نیکو و فضیلت‌ها را از عوارض بعد عملی از سعادت اخروی تلقی می‌کند (صدرالمتألهین، ۱۳۹۱ق؛ همو، ۱۴۱۱ق، ج ۶ ص ۲۶۸ و ۲۶۹). بنابراین طبق اندیشه صدرالمتألهین، بهروزی اخروی مشتمل بر مراتب علمی و عقلانی و نفس ناطقه و نیز عملی و نیکوورزی و کرداری است.

شکل ۱: نمودار ساختاری رفاه و بهروزی از دیدگاه صدرالمتألهین



بنابراین، در نگاه صدرا المتألهین، سعادت و بهروزی حقیقی و کامل‌تر و جامع‌تر، صرفاً از نوع حسی نیست؛ بلکه از نوع عقلی و روحی است. از این رو به اعتقاد وی، سعادت و بهروزی عقلی، در مقایسه با سعادت حیوانی، هم از لحاظ کمیت و عدد، هم از نظر کیفیت و شدت و هم از جهت متعلق، در رتبه بالاتر قرار دارد. البته به همین ترتیب، شادی و لذت این دو نوع نیز در یک مرتبه نیست و سرور و شادکامی کمالات عقلانی و اخروی بسیار بالاتر است (صدرا المتألهین، ۱۳۹۱ق، ص ۳۹۷ و ۳۹۸). بر این اساس وی کمالات بعد روحانی و اخروی انسان را با اهمیت‌تر می‌داند؛ همان‌طور که کمالات عقلی و علمی این قسم را نیز بر کمالات عملی مقدم می‌شمارد (صدرا المتألهین، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۳۱). بر همین مبنا، در شکل زیر نمودار ساختاری رفاه و بهروزی و ابعاد و اقسام و انواع آن در دیدگاه صدرا ترسیم شده است؛ سپس در یک جدول، معیارهای استخراج‌شده از دیدگاه صدرا المتألهین با شاخص‌های متعارف ترکیبی رفاه مورد مقایسه قرار گرفته است.

جدول ۱۰: میزان برقراری ارتباط مفهومی میان شاخص‌های رفاه از دیدگاه صدرا المتألهین با دیگر شاخص‌ها

شاخص رفاه اقتصادی	میزان رفاه اقتصادی	شاخص پیشرفت واقعی	شاخص سلامت اجتماعی	شاخص استاندارد زندگی (اسراو)	شاخص توسعه انسانی	شاخص کیفیت زندگی	شاخص پیشرفت اجتماعی	شاخص لگاتوم	معیارهای صدرا المتألهین	ردیف
IEWB	MEW	GPI	ISH	ILS	HDI	QOL	ISP	LPI	نمادهای اختصاری	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	اخروی (علمی)	
					*			*	ایمان و توحید	۱
									تقوا	۲
									طاعت و عبودیت	۳
-	-				*			*	اخروی (عملی)	
			*			*	*	*	اخلاق نیکو	۱
		*	*					*	عمل صالح	۲
			*					*	گفتار نرم	۳
		*	*	*			*	*	دنیوی (نفس)	
*		*	*			*	*	*	سلامتی	۱
	*	*	*				*	*	تندرستی (ورزش)	۲
*	*	*	*			*	*	*	نیرومندی (قوت)	۳
		*	*			*	*	*	شهامت	۴
*		*	*	*		*	*	*	دنیوی (شان)	
*		*	*	*		*	*	*	خانواده	۱
*	*	*	*	*	*	*	*	*	شغل و درآمد	۲
*	*	*	*	*	*	*	*	*	اموال و دارایی	۳
*			*	*	*	*	*	*	وسایل زندگی	۴

شارپ نیز برای مقایسه چند شاخص ترکیبی رفاه، به ذکر چند مؤلفه از اصلی‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده رفاه فردی و اجتماعی می‌پردازد. بر این اساس، در این پژوهش با استفاده از همین مؤلفه‌ها به مقایسه و تحلیل و بررسی تمام

شاخص‌های رفاه ترکیبی مطرح شده پرداخته می‌شود. طبق این مشابهت‌سنجی صورت‌گرفته، مؤلفه «نیل به تحصیل» در هر ده شاخص مطرح شده است. در وهله بعدی، مؤلفه‌هایی همچون مصرف شخصی، امید به زندگی و هزینه‌های بهداشتی در هشت شاخص از ده شاخص، به‌عنوان متغیرهایی مهم در سنجش رفاه ترکیبی مورد اشاره قرار گرفته است. ازسوی دیگر نیز معیارهایی همچون پرداخت‌های دولت و تحقیق و توسعه، به‌عنوان کمترین مؤلفه‌های در نظر گرفته شده شاخص‌های رفاه قلمداد می‌شوند.

جدول ۱۱: مقایسه شاخص‌های ترکیبی رفاه با استفاده از معیارهای شارپ

شاخص پیشرفت واقعی	میزان رفاه اقتصادی	شاخص رفاه اقتصادی	شاخص سلامت اجتماعی	شاخص استاندارد زندگی (سارلو)	شاخص توسعه انسانی	شاخص کیفیت زندگی	شاخص پیشرفت اجتماعی	شاخص آگاتوم	شاخص ملاحظه‌ها	معیارهای شارپ	ردیف
GPI	MEW	IWEB	ISH	ILS	HDI	QOL	ISP	LPI		نمادهای اختصاری	
			*	*		*	*	*	*	درآمد / دستمزد	۱
*	*	*	*	*			*	*	*	مصرف شخصی	۲
*	*	*					*	*	*	فعالیت‌های غیربازاری	۳
*	*	*								اوقات فراغت	۴
		*						*		پرداخت‌های دولت	۵
				*	*	*		*	*	امکانات خانوار	۶
*	*	*					*	*		پرداخت‌های جبرانی	۷
*	*	*						*	*	موجودی سرمایه	۸
				*				*	*	دارایی‌های مالی	۹
		*						*		تحقیق و توسعه	۱۰
*	*	*					*		*	منابع طبیعی	۱۱
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	نیل به تحصیل	۱۲
*	*	*						*	*	آلودگی	۱۳
*	*	*					*	*	*	بدهی خارجی	۱۴
*		*	*			*		*	*	توزیع درآمد	۱۵
*		*	*					*	*	فقر	۱۶
*		*	*	*			*	*	*	بیکاری	۱۷
		*	*					*	*	پوشش برنامه‌های اجتماعی	۱۸
*	*	*	*			*	*	*	*	هزینه‌های بهداشتی	۱۹
*			*			*	*	*	*	جرایم	۲۰
		*	*	*	*	*	*	*	*	امید به زندگی	۲۱
				*				*	*	شاخص‌های اجتماعی	۲۲

نتیجه‌گیری

دیدگاه صدرالمتألهین دارای نوآوری‌های خاصی است که در هیچ‌یک از نظریات و شاخص‌های قبل وجود ندارد. مهم‌ترین ابداع صدرالمتألهین، دوساحتی نشان دادن رفاه در کنار دوگانه‌های عینی و ذهنی است. همچنین دسته‌بندی رفاه دنیوی در دو بعد نفس و شأن اجتماعی و نیز رفاه اخروی در دو عرصه علمی و عملی و تلفیق ذهنیت‌ها و عینیت‌ها در این دسته‌بندی‌ها، حاکی از نگرش بدیع صدرا به مقوله ترکیبی رفاه است؛ اما یکی از مشکلات مهم در این رویکرد، در طراحی سنجه‌های لازم برای اندازه‌گیری معیارهاست. از این رو شاید ترکیبی بودن و کیفی بودن ملاک‌های نهایی برای سنجش، بسیار سخت و پیچیده و مورد مناقشه باشد. البته برای کاربرد و عینی شدن این شاخص‌ها نیاز است که مطالعات میدانی در این خصوص صورت گیرد که در محدوده این پژوهش نمی‌گنجد.

افزون بر این، مؤلفه‌های حاصل از رویکرد صدرالمتألهین، بیشتر حول رفاه فرد و شأنیت اجتماعی اوست. از این رو مشاهده می‌شود که دولت و نسبت آن با فرد و نسبت فرد با گروه‌های اجتماعی و داوطلبانه و نهادهای اجتماعی، در این رویکرد جایگاه مشخصی ندارند. همچنین مقوله‌هایی مانند آموزش و تربیت، بهداشت و محیط‌زیست و معیارهای حقیقی آنها، در این دیدگاه کمتر مورد توجه واقع شده است. از این رو اگرچه این رویکرد در حوزه فردی و اجتماعی نگرشی جامع به مقولات مرتبط داشته و از شاخص‌های موجود و مطرح برتر است، اما در حوزه‌های حکمرانی و دولت، به حداقل‌ها بسنده کرده است.

این در حالی است که شاخص‌های رفاه و بهروزی منبعث از نظریات صدرالمتألهین، دارای بیشترین اشتراک و همپوشانی و مشابهت مفهومی با اغلب شاخص‌ها، به‌ویژه شاخص‌های مطرحی همچون لگاتوم و سارلو و رفاه اقتصادی، داشته است. از این رو منطبق بر جدول برگرفته از معیارهای سارپ، هفده مؤلفه از ۲۲ معیار، مشابهت مفهومی با این معیارها داشته‌اند. همچنین شاخص صدرا با شاخص پیشرفت واقعی ۵۵ درصد، میزان رفاه اقتصادی ۳۵ درصد، شاخص رفاه اقتصادی ۵۴/۵ درصد، شاخص سلامت اجتماعی ۵۸/۸ درصد، شاخص سارلو ۴۷ درصد، شاخص توسعه انسانی ۱۷/۶ درصد، شاخص کیفیت زندگی ۴۷ درصد، شاخص پیشرفت اجتماعی ۳۶/۸ درصد و شاخص لگاتوم ۷۱/۴ درصد اشتراک مؤلفه و همپوشانی مشابهت مفهومی دارد.

منابع

- بختیاری، صادق و همکاران، ۱۳۹۱، «شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی و اندازه‌گیری آن برای منتخبی از کشورهای در حال توسعه»، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ش ۳۹(۳)، ص ۵۸-۴۱.
- جعفری صمیمی، احمد و محمدرضا حسینی، ۱۳۸۹، «برآورد و ارزیابی رفاه اقتصادی با استفاده از شاخص ترکیبی CIEWB»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۴۲(۱۴)، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- جلالی، محسن، ۱۳۸۶، «بررسی تابع رفاه اجتماعی در ایران»، *روند*، ش ۱۷(۵۲و۵۳)، ص ۱۶۹-۱۸۶.
- حری، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۹۹، «بررسی تأثیر چرخه‌های تجاری بر شاخص رفاه اقتصادی در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۲۵(۸۲)، ص ۱۴۹-۱۷۲.
- خستو، مریم و مرضیه یاحقی، ۱۳۹۷، «تحلیل و ارزیابی شاخص‌های رفاه اجتماعی در نواحی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت (مطالعه موردی: نواحی منطقه ۱ شهر قزوین)»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ش ۲(۵۰)، ص ۲۹۷-۳۱۵.
- رافعی، میثم و محمد صیادی، ۱۳۹۷، «سیاست مالی دولت و رفاه اجتماعی در ایران با تأکید بر شاخص آمارتیاسن (رهیافت آزمون ARDL کرانه‌ها)»، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ش ۳۲(۸)، ص ۱۵۱-۱۶۸.
- سام‌آرام، عزت‌اله و رضا محبوبی، ۱۳۹۳، «ساخت مقیاس برای سنجش رفاه اجتماعی با تأکید بر رفاه ذهنی (احساس رفاه)»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۱۸، ص ۱-۳۴.
- سرگزی، زهرا و همکاران، ۱۴۰۰، «تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی براساس شاخص‌های رفاه چند بُعدی مطالعه موردی: محلات شهری زاهدان»، *جغرافیا و توسعه*، ش ۱۹(۶۳)، ص ۶۷-۹۴.
- صادقی، حسین و همکاران، ۱۳۸۹، «رویکردی نو به برآورد شاخص رفاه در ایران با استفاده از منطق فازی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۳»، *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ش ۴(۱۰)، ص ۱۴۳-۱۶۶.
- صدرالمآلهین، ۱۳۷۹، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، قم، مصطفوی.
- _____، ۱۳۹۱ق، *شرح الاصول الکافی*، تهران، محمودی.
- _____، ۱۴۱۱ق، *تفسیر القرآن الکریم*، قم، بیدار.
- عربی، سیده‌ادی، ۱۳۸۷، «از اقتصاد اثباتی تا اقتصاد هنجاری (بنیان‌های فلسفی و ارزشی اقتصاد رفاه)»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۱۴(۵۷)، ص ۲۹-۵۱.
- _____، ۱۳۹۰، «بررسی تطبیقی نظریه‌ای رفاه و بهروزی»، *جستارهای اقتصادی*، ش ۱۵(۸)، ص ۶۱-۸۷.
- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۱، *فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی*، تهران، البرز.
- فیتزپتریک، تونی، ۱۳۸۱، *نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- فیض‌زاده، علی و سعید مدنی، ۱۳۷۹، «تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: (شاخص‌شناسی برای تبیین و سنجش)»، *تأمین اجتماعی*، ش ۴(۲)، ص ۲۰۶-۲۳۲.
- لشکری، محمد، ۱۳۷۷، «شاخص‌های رفاه اجتماعی»، *اقتصاد سیاسی*، ش ۱۳۱ و ۱۳۲، ص ۲۱۴-۲۲۷.
- لطیفی، غلامرضا و مجید سجاسی قیداری، ۱۳۹۰، «رتبه‌بندی سطح رفاه اجتماعی شهرستان‌های استان زنجان با استفاده از تکنیک تاپسیس»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۷، ص ۱۶۵-۱۹۲.
- محقق‌کمال، سیدحسین و همکاران، ۱۳۹۳، «تخمین شاخص ترکیبی رفاه اجتماعی برای شرایط ایران»، *نشریه رفاه اجتماعی*، ش ۵۲(۱۴)، ص ۷-۳۲.
- مولایی، محمد، ۱۳۸۶، «مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۳»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۴(۶)، ص ۲۴۱-۲۵۸.
- مهرائی، پدram، ۱۳۹۷، «شاخص‌های جهانی مرتبط با کیفیت زندگی»، *هفت‌سهر*، ش ۶۱، ص ۲۶۷-۲۷۱.

- Andrew, A., 2019, "Measuring welfare Beyond GDP", *National Institute Economic Review*, N. 249, p. 3-16.
- Bentham, Jeremy, 1996, *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, Burns, J. H. & H. L. A. Hart (eds.), Oxford, Clarendon Press.
- Brent, B., 2012, "Classifying Alternative Measures for Policy-Making", *Social Indicators Research*, N. 109(3), p. 1-9.
- Brynjolfsson, E. & Eggers, F & Gannamaneni, A., 2018, *Using Massive Online Choice Experiments to Measure Changes in Well-being*, NBER Working.
- Crisp, Roger, 2008, *Well-Being Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Available at: <http://plato.stanford.edu/entries/well-being>.
- Green, M., Harmacek, J., & Krylova, P., 2020, *Social progress index*, Executive Summary.
- Index, L. P., 2018, *Legatum Prosperity Index 2018*.
- Miringoff, Marc L. and Marque Luisa Miringoff, 1999, *The Social Health of the Nation: How America Is Really Doing*, New York, Oxford University Press.
- Nordhaus, W. D. & Tobin, J., 1972, "Is growth obsolete?", *Economic research: Retrospect and prospect*, V. 5, economic growth, p. 1-80.
- Osberg, L & Sharpe, A., 2001, "*The Index of Economic Well-Being: An Overview*", Revised version of a paper presented at the National Conference on Sustainable Development Indicators organized by the National Round Table on the Environment and the Economy, p. 1-88.
- Riveros-Gavilanes, J. M., Al Akayleh, F., Oduniyi, O., Samuel, A. H., & Hassan, S. M., 2022, *On the Welfare Trends: A view from the Sen's Social Welfare Function* (No. 3-2022), M&S Research Hub institute.
- Sarlo, C., Clemens, J., & Emes, J., 2017, *Income inequality measurement sensitivities*, Towards a Better Understanding of Income Inequality in Canada.
- Sen, Amartya, 1992, *Inequality Reexamined*, Harvard University Press.
- Sharpe, A., 1999, *A survey of indicators of economic and social well-being*. Ottawa: Centre for the Study of Living Standards.
- Slesnick, D., 2002, "Empirical Approaches to the Measurement of Welfare", *Journal of Economic Literature, American Economic Association*, N. 36(4), p. 2108-2165.
- Talberth, J., Cobb, C., & Slattery, N., 2007, *The genuine progress indicator 2006*, Oakland, CA, Redefining Progress.
- United Nations, 2019, *Guidelines on producing leading*, composite and sentiment indicators.
- Urban, I., 2023, "Mingling the Gini index and the mean income to rank countries by inequality and social welfare", *Mobility and Inequality Trends*, N. 30, p. 139-163.
- Veenhoven, R., 2002, "Why Social Policy Needs Subjective, Indicators", *Social Indicators Research*, N. 58, p. 33-46.